

کدام آفتها؟

مسئله احمد میرزاده

در سی و هفتمین شماره مجله شعر، نوشته‌ای با عنوان «از طبع گلایی یا آفرین» به آید که در آن به بررسی «موسویان» به چاپ رسیده بود. این مقاله به بررسی کتاب شعر کودک بود، مقدمه‌ای داشت که سیمایی نادرست از وضعیت شعر کودک و نوجوان امروز ایران، ارائه داده بود.

شاید اگر متفکر محترم، تنها بر روی کتابهای مورد بررسی خود متمرکز می‌شدند و کل شعر کودک امروز را در کمتر از نیم صفحه، زیر سؤال نمی‌بردند، نیازی به نوشتن این یادداشت‌ها از سوی من نبود، اما از آنجا که نوشته ایشان نخستین مطلبی است که در خصوص شعر کودک در این فصلنامه به چاپ رسیده و نیز همده معاصران این نشریه، عزیزانی هستند از خانواده شعر بزرگسال، که ممکن است به علت عدم علاقه مندی و یا دلایل دیگر، مطالبه کتابی و هنر جانمایی در شعر کودک و نوجوان نداشته باشند، لازم دیدم توضیحاتی را در خصوص مقدمه‌ای که ایشان مرقوم فرموده‌اند، ارائه کنم.

ایشان نوشته‌اند که شعر کودک و نوجوان در دوره حاضر دچار آفت‌های گوناگونی شده (به این معنی که چنین آفت‌هایی را قبلاً نداشته) و سپس به سه مورد اشاره کرده‌اند. لیکن آفات مورد اشاره ایشان با هرگز وجود نداشته‌اند (مثل ایندیسس، سس نوشت‌الزیک) و یا مربوط به دوره‌های بسیار کهنستند و متعلق به وضعیت دو دهه پیش شعر کودک، در زمره «به ترکیب» به بررسی این موارد، پرداخته خواهد شد.

عدم تنوع قالب

نوشته‌اند:

«قالب چهارپاره به دلایل گوناگون، تا کنون بی‌رقیب‌ترین قالب در این عرصه بوده است و متأسفانه شاعران زمان ما کمتر دست به تجربه قالبهای دیگر زده‌اند. در حالی که شاعرانی چون محمود کیانوش، پروین دولت‌آبادی و... در سایر قالبها هم شعرهای درخشان و موفق برای این طیف سروده‌اند.»

البته شاعران کودک، بنا به اقتضائاتی - که برای سرایندهگان حرفه‌ای شعر کودک، کاملاً ملموس است - به قالب چهارپاره، اقبال بیشتری داشته‌اند. و این به خلاف مدعای ایشان، مربوط به دوره حاضر نیست. چرا که شاعرانی مثل محمود کیانوش و... هم بسیار کم به قالبهای دیگر پرداخته‌اند. به عنوان مثال، با مراجعه به کتاب «بچه‌های جهان»، از انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، که مجموعه‌ای از کتابهای کیانوش در



یک مجلد است، ملاحظه می‌کنیم که از میان ۹۴ قطعه شعر این کتاب، ۷۴ تای آن چهارپاره است، یعنی هشتاد درصد سروده‌های کیانوش هم، چهارپاره است. ضمن اینکه توجه بیشتر به یک قالب، اگر هم معضلی باشد - خاص شعر کودک نیست. با یک بررسی اجمالی در شعر بزرگسال امروز نیز، خواهیم دید که بسامد یک قالب، یعنی غزل از قالبهای دیگر بیشتر است.

از این نظر، شعر کودک، وضعیتی مشابه شعر بزرگسال دارد؛ با این تفاوت که در این گونه از شعر، به لحاظ بسامدی، قالب چهارپاره جای غزل را گرفته است. همچنین به علت جوان سالی شعر کودک، حجم کم سایر قالبها، خود را بیشتر نشان می‌دهد.

اما این به آن معنی نیست که شاعران کودک، «در سایر قالبها شعرهای موفقی» نسوده‌اند. بلکه در حال حاضر، بعضی از شاعران کودک، اصولاً به کار بر روی قالبهای دیگر متمرکز شده‌اند.

به عنوان مثال، شاعر با ذوق جوان، آقای یحیی علوی فرد، عمدهٔ همت خود را مصروف ساختن غزل کرده است.

کتاب «نردبانی از ستاره» سرودهٔ بابک نیک‌طلب، از انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، که چاپ اول آن، تاریخ سال ۱۳۸۱ را دارد، شامل دوازده قطعه شعر است که ده تای آن غزل است.

همچنین کتاب «دریاده‌رو» سرودهٔ «بیوک ملکی»، از انتشارات مؤسسه فرهنگی منادی تربیت، چاپ اول: ۱۳۷۹، شامل سیزده قطعه شعر است که ده قطعه آن شعر نوست.

نیز کتاب «پر از پروانه‌ام»، سرودهٔ «پروانه پارسا»، از انتشارات سروش، چاپ اول: ۱۳۷۹، (که در مراسم کتاب سال جمهوری اسلامی، در سال ۸۰، از آن تقدیر به عمل آمد) شامل سیزده شعر است که فقط چهار شعر آن در قالب چهارپاره سروده شده است.

(تاریخهای چاپ اول این کتابها را از آن جهت ذکر کردم تا مشخص شود این اتفاقها مربوط به دوران کیانوش و دولت آبادی نیست؛ بلکه در همین سالها رخ داده است.)

امروز با مطالعه کارنامهٔ هریک از شاعران کودک، نمونه‌های درخشانی را در هریک از قالبهای شعری ملاحظه خواهیم کرد و من برای آنکه ادعای صرف نکرده باشم، ناچار از ارائهٔ تعدادی مثال هستم. البته آوردن چند مثال، اثباتگر چیزی نیست؛ لیکن می‌تواند برای آن دسته از عزیزان که با خواندن مطلب خانم موسویان، در این زمینه، دچار برداشتی نادرست شده‌اند، سیمایی صحیح‌تر از وضعیت قالبها در شعر کودک به نمایش بگذارد.

رباعی (با تأکید بر اینکه این قالب به طور جدی اولین بار از دههٔ دوم انقلاب به شعر کودک راه پیدا کرد):

شب، قصهٔ مادر از دل من غم بُرد
با قصهٔ مرا به خواب خوش، کم کم بُرد
اما نشنیدم آخر قصه چه شد
چون قصه نشد تمام و من خوابم بُرد

مصطفی رحماندوست
گل، گل می‌گفت و شاپرک می‌خندید
یک بادِ حسود، آمد آنها را دید
پیچید و وزید تا جدانشان سازد
پروانه به گل، محکم محکم چسبید

مصطفی رحماندوست
بزغالهٔ من دوید و از اینجا رفت
با گله به سوی دشت و صحراها رفت
با غصه نشستم و نگاهش کردم
همبازی خوب من چرا تنها رفت؟

افسانه شعبان نژاد
دوبیتی (با تأکید بر اینکه این قالب به طور جدی، اولین بار از دههٔ دوم انقلاب به شعر کودک راه پیدا کرد):

ننه، نخ سوزن خود را در آورد
لباس از بقچهٔ بابا در آورد
بمیرم من، ننه یک شب نخوایید
که تا آن را به قدم ما در آورد

حسین عبدی
دوباره نامه‌اش از جبهه آمد
کبوتر بچه‌ام با شوق پر زد
میان نامه بابایم نوشته:
نمازت را بخوان آقا محمد!

حمید هنرجو
به زحمت شیشه‌ها را شست مادر
گلیم زیر پا را شست مادر
پس از آن آمد و با مهربانی
غم دلهای ما را شست مادر

بیوک ملکی

غزل:

بابا دارد می‌خندد
دنیا دارد می‌خندد
حتماً بابا خوشحال است
زیرا دارد می‌خندد
یک گل روی قالیچه
با ما دارد می‌خندد
هر چیزی که غمگین بود
حالا دارد می‌خندد

زمین برفه هوا برف
در آسمان رها برف
چکیده دانه دانه
به شهر و روستا برف
سپید و پاک و روشن
نشسته هر کجا برف
به رنگ نقره کرده
تمام کوچه را برف
شکفته روی شاخه
به جای غنچه‌ها برف
ببار باز از ابر
بیا به سوی ما برف

قطعه:

چقدر، پنجره تنهاست
و دست باغچه خالی است
درخت، شاخه و برگش
دچار بی‌پرو بالی است
دل درختچه‌ها خوش
به برگهای خیالی است
فضای سوخته باغ
پر از کلاغ زغالی است
و روبه‌روی من اینجا
بهار پرده و قالی است

افشین علاء

بابک نیک‌طلب

بیوک ملکی

چه زیبا و چه خوش دوز است
قبای جبر جبر کجا
چه موسیقی زیبایی است
صدای جبر جبر کجا
همان شعری که می‌ریزد
ز پای جبر جبر کجا
همان سازی که آن را ساخت
خدای جبر جبر کجا...

محمد کاظم مزینانی

مشوئ:

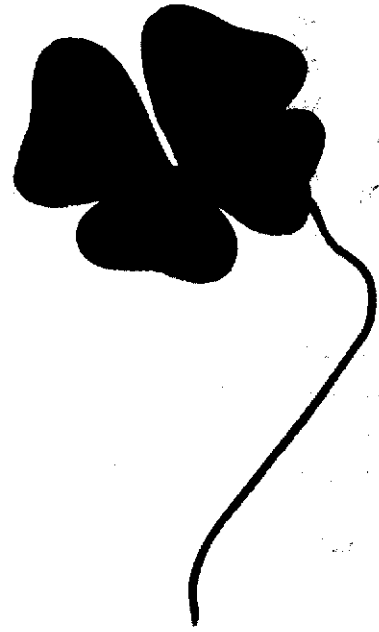
کوچه خلوت، کوچه خالی
بر گهائش مثل قالی
کوچه بارانی، هوا سرد

کدام آفتها؟

● در شعر کودک نه تنها آفتی جدی به نام عدم تنوع قالب وجود ندارد، بلکه اصولاً یکی از ویژگیهای شاخص جریان شعر کودک، تنوع چشمگیر قالبهاست.

● شاعران کودک، علاوه بر اغلب قالبهای مرسوم و متداول در شعر بزرگسال، گاه از قالبهایی استفاده کرده‌اند که یا اصلاً در شعر بزرگسال سابقه‌ای نداشته و یا بسیار کم‌کاربرد بوده است. قالبهایی مثل سه بی‌تی پیوسته، سه پاره، پنج پاره، شش پاره، و هشت پاره





دوباره یا کریم
نشسته روی سیم
درون خانه مادرم
نشسته در نماز
سحر شده،
دوباره می‌وزد نسیم
کنار خانه باز
به گوش می‌رسد
صدای یا کریم
صدای «یا کریم»

برو خدا نگهدار
خبر اخیر آشیانه
درخت زد جوانه
دوباره بر سرش بست
شکوفه، دانه دانه
به روی شاخه‌ای ساخت
پرستو آشیانه
خبر، خبر، خبرهاست
میان باغ، غوغاست
کدام را بگویم؟
که هر چه هست اینجاست

محمد عزیزی «نسیم»

اکنون که نمونه‌هایی از قالبهای مختلف، ارائه شد، می‌خواهم گامی جلوتر بگذارم و بگویم: در شعر کودک نه تنها آفتی جدی به نام عدم تنوع قالب وجود ندارد، بلکه اصولاً یکی از ویژگیهای شاخص جریان شعر کودک، تنوع چشمگیر قالبهاست. چرا که شاعران کودک، علاوه بر اغلب قالبهای مرسوم و متداول در شعر بزرگسال، گاه از قالبهایی استفاده کرده‌اند که یا اصلاً در شعر بزرگسال سابقه‌ای نداشته و یا بسیار کم کاربرد بوده است. قالبهایی مثل سه بیتی پیوسته، سه پاره، پنج پاره، شش پاره، و هشت پاره، که ذیلاً به آنها اشاره می‌شود.
سه بیتی پیوسته: قالبی است که از چند بند سه بیتی تشکیل شده است و در هر بند مصراعهای زوج، هم قافیه هستند. ممکن است که مصراع اول هر بند هم، با مصراعهای زوج آن بند هم قافیه باشد، ولی این امر، الزامی نیست.

مثال:

دانه به یک ریشه گفت:
فصل زمستان شده
خانه تاریک من
یخ زده، ویران شده
در دل این خاک سرد
دل‌م پریشان شده
ریشه به آن دانه گفت:
گریه نکن زار زار
یک دو سه ماه دگر
باز بکش انتظار
می‌دهد این برف و یخ
مژده فصل بهار

داوود لطف‌الله

بیوک ملکی

مثال دوم:

خبر خبر خبردار
گل آمده به بازار
یکی دو تا، نه ده تا
نه ده، نه صد، چه بسیار
به برف و سرما گفته:

مصطفی رحماندوست

خلاصه خبرها:

بهار خوب و زیباست

مصطفی رحماندوست

سه پاره ۱: قالبی است که از چند بند سه مصراعی تشکیل شده است. و شکل‌های مختلفی دارد. از جمله:

الف) مصراع سوم هر بند با سومین مصراع تمام بندها هم قافیه است.

مثال:

او قطره‌ای خوب است
من قطره‌ای خوب‌ام
تو قطره‌ای بهتر
من گوشه‌ای تنها
تو گوشه‌ای غمگین
او گوشه‌ای دیگر
یک قطره بی‌سود است
یک قطره ناچیز است
یک قطره بی‌یاور
با هم اگر باشیم
هستیم یک دریا
پرموج و بارآور

مصطفی رحماندوست

ب) مصراع اول و سوم هر بند هم قافیه‌اند. ممکن است مصراع دوم هم، با دو مصراع دیگر هم قافیه باشد ولی این امر، الزامی نیست.

مثال:

..مثل لبخند، مثل خوشحالی
مثل یک قصه، مثل یک رویا
مثل گل‌های قرمز قالبی
مثل یک غنچه، مثل یک نوزاد
مثل رنگین کمان و مثل امید
مثل یک مرغ از قفس آزاد
مثل یک یار، مثل یک حامی
مثل بیک بهار و خنده عید
انقلاب کبیر اسلامی

وحید نیکخواه آزاد

بودم، بودی، دلتنگ

گریه‌هایش خیس و ولگرد
آسمانش خالی از ماه
دودکش‌هایش پر از آه
خانه‌هایش خواب و بیدار
رفتگرهایش سر کار
کوچه خلوت، کوچه خالی
کوچه یک عکس خیالی



با هیاهوی پرواز گنجشک
ریخت در خانه آواز گنجشک
چشم‌هایم شد از خواب خالی
پر شد از بوی گل‌های قالبی
صبح شد باز مثل همیشه
نور جاری شد از چشم شیشه
مادرم چشم‌ها کرد و خندید
بوی سجاده در خانه پیچید
«تق تق!» آهنگ در گفت با ما
خسته از کار برگشته بابا

شعر نو:

آرزوی یک درخت خشک
سبز بودن است
آرزوی یک پرندۀ نیز
پر گشودن است
من درختم و تو هم پرندۀ ای
سوی من بیا
شاخه‌های من پر از جوانه است
آسمان سینه‌ام برای تو
آشیانه است

اسدالله شعبانی

سحر شده،



خورشید، خسته، بی رنگ
مردم با شاه در جنگ
کردم، کردی، فریاد:
ایران رفته بر باد
حاکم گشته بیداد
گفتم، گفتی: الله
نفرین بر تو ای شاه
رهبر آمد از راه...

شکوه قاسم نیا

پنج پاره: قالبی است که از چند بند پنج مصراع‌ی تشکیل شده است. و در هر بند مصراع‌های دوم و پنجم هم قافیه اند.
مثال:

در پیش چشمم
یک دشت زیباست
خورشید روشن
بالای این دشت
گرم تماشاست
اسب سفیدی
در سبزه زار است
مردی کشاورز

نزدیک آن اسب
مشغول کار است
این دشت و خورشید
سرسار رنگند
این اسب و دهقان
تنها و با هم
شعری قشنگند
یک شعر زیبا
می گویم اینک
شعری برای
دهقان و اسب و
این دشت کوچک

شکوه قاسم نیا

شش پاره: برخی، این قالب و زیرمجموعه‌های آن را صورتهایی از قالب سه پاره، بر شمرده‌اند. لیکن از آنجا که این قالب از بندهای شش مصراع‌ی تشکیل شده، نام شش پاره برای آن مناسب‌تر می‌نماید. از شکل‌های مختلف این قالب، می‌توان به حالت‌های زیر اشاره کرد:
(الف) در هر بند، مصراع‌های سوم و ششم

هم قافیه هستند.
مثال:
گل کاشت آن روز
در خاک ایران
نارنجک تو
افتاد بر خاک
یک نانک دشمن
با پاتک تو
شاید اگر من
جای تو بودم
ترسیده بودم
ای کاش من هم
اندازه تو

فهمیده بودم

غلامرضا بکتاش
(ب) حالت دوم، شبیه حالت اول است با این تفاوت که مصراع‌های سوم و ششم، به لحاظ وزنی، طولانی‌تر هستند.
مثال:
سرد بود
گرم شد
فصل زمستان گذشت
شد بهار
جلوه گر
بر همه جا، گوه و دشت
هر گیاه
گوشه‌ای
غنچه لب را گشود
بی زبان
بی دهان
خالق گل را ستود...

مصطفی رحماندوست

(ب) حالت سوم آن است که مصراع سوم بند اول با مصراع ششم آن بند و مصراع ششم تمام بندها هم قافیه باشد.
مثال:

یک سال پیش، آه!
وقتی که می شکفت
گل‌های مدرسه
چشم انتظار بود
از پشت پنجره
بابای مدرسه
بابای مدرسه
یعنی دعای خیر
یعنی نماز صبح
یعنی کسی که ماند
در خانه دلش
غم‌های مدرسه

کدام آفتها؟

● امروز با مطالعه

کارنامه هریک از
شاعران کودک،
نمونه‌های درخشانی
را در هریک از قالب‌های
شعری ملاحظه
خواهیم کرد

● اصولاً، شعری که

سوژه آن حسرت از
دست دادن ایام
کودکی است،
نمی‌تواند شعر کودک
باشد. زیرا فاقد
ذهنیت کودکانه
است. کودکان، در
کودکی به سر
می‌برند. کودکی را از
دست نداده‌اند تا بر
آن تأسف بخورند



مردی که بارها
توی کلاسی ما
جارو کشید و رفت
از اشکهای او
باغ شکوفه بود
هر جای مدرسه
امسال مهر ماه
آقا مدیر هم
بغضش شکسته شد
وقتی که می زدیم
یک پرچم سیاه
بالای مدرسه

حمید هنرجو

هشت پاره: قالبی است که از بندهای هشت مصراع تشکیل شده است و در هر بند، مصراعهای چهارم و هشتم، هم قافیه اند. البته ممکن است مصراعهای چهارم و هشتم به عنوان ردیف، عیناً تکرار شود و مصراعهای سوم و هفتم بند، هم قافیه گردند.

مثال:

من دارم
می سازم
در ذهنم
یک موشک
هم زیبا
هم خوش رنگ
هم ساده
هم کوچک
می گیرم
می افتد
از صحرا
آن موشک
یک عالم
بر بام
پروانه
یک خانه
می ریزم
می بارد
در موشک
بر هر جا
هم گل، هم
پروانه
پروانه...

هم گل، هم

افشین علاء

علاوه بر قالبهای یادشده، شاعران خوش ذوق کودک، دست به ابتکارات دیگری هم زده اند که

تنوع قالبها را از این هم بیشتر می کند. مثلاً چهارپاره هایی سروده اند که طول مصراعهای فرد آن بلندتر از مصراعهای زوج است.

مثال:

پاره شد لحافِ ابر
توی آسمان
ریخت بر زمین ما
پنبه های آن
پشت شیشه چشم من
مانده بی قرار
روی شیشه گشته است
از بخار، تار...

اسدالله شعبانی

و یا به عکس، چهارپاره هایی که طول مصراعهای زوج آن بلندتر از مصراعهای فرد است.

مثال:

زندگی معنی شده
در صدای جیرجیرکهای باغ
یا که روی تیر برق
در میان چشمهای یک کلاغ
زندگی معنی شده
بر لب یک چرخ دستی پای جو
در خیابانی شلوغ
در بخار روی یک ظرف لبو...

افسانه شعبان نژاد

و یا قالب زیر: چهارپاره ای که در پایان هر بند، یک مصراع به همان وزن، اضافه دارد و در هر دو بند شعر، این مصراعهای اضافه هم قافیه اند:

در اتاقش خورشید
باز درها را بست
پرده ها را انداخت
رفت و در خانه نشست
آسمان ابری شد.
پشت این پنجره، من
باز ماندم تنها
کوچه ها خالی شد
بسته شد پنجره ها
شهرمان ابری شد...

جعفر ابراهیمی «شاهد»

به هر حال، تنوع قالب در شعر کودک، آن قدر زیاد است که خود، پژوهشی مستقل و دراز دامن را طلب می کند که اینجا مجال پرداختن به آن نیست.

نکته قابل توجه و بااهمیت این است که بسیاری از این قالبها، ابداعی شاعران نسل بعد از کیانوش است و در شعر کیانوش و دولت آبادی

و... سابقه ندارد. ضمن اینکه بعضی از قالبهای عادی نیز، مثل رباعی، دوبیتی و... در شعر کودک دو دهه پیش، هنوز تجربه نشده بوده است. بنابراین، کمترین چیزی که اینجا می توان گفت این است که شاعران دوره حاضر «تجربه های موفق در قالبهای دیگر نیز داشته اند.»

عدم تنوع در موضوع و مضمون

نوشته اند:

«زمانی نه چندان دور، چند شاعر کودک و نوجوان، در شعرهایشان به بیان احساس درباره روستا، طبیعت، کودکی و... پرداختند و سپس این حس نوستالژیک در میان دیگر شاعران کودک و نوجوان به صورت اپیدمی [تاکید از نگارنده است] در آمد. به گونه ای که اغلب شعرهای سروده شده در این سالها [تاکید از نگارنده است]. مملو از مفاهیم این چنینی است.»

به نظر فقیر، این اظهار نظر، جفایی بزرگ در حق شعر کودک و نوجوان امروز ایران است. چنین آفتی، آن هم در حد یک اپیدمی فراگیر، هرگز در شعر کودک وجود نداشته است.

گرچه شاعران مجرب کودک نیز، گاهی به یاد کودکی و برای دل خود، شعری سروده اند؛ اما بیشتر شعرهایی که چنین مضامینی دارند یا برساخته شاعران مبتدی و یا آن دسته از بزرگسالان سرایانی است که خواسته اند تفتنی نیز در شعر کودک بکنند. طبعاً، یاد از کودکی، زبانی شعر را نیز ساده می کند و این شبهه را به وجود می آورد که اثر خلق شده کودکانه است. حال آنکه اصولاً، شعری که سوژه آن حسرت از دست دادن ایام کودکی است، نمی تواند شعر کودک باشد. زیرا فاقد ذهنیت کودکانه است. کودکان، در کودکی به سر می برند. کودکی را از دست نداده اند تا بر آن تأسف بخورند و لذا یاد کردن از ایام کودکی و حسرت خوردن بر آن، حرف دل آنها نیست. بلکه سخن بزرگسالانهای است که نهایتاً تنها با زبانی کودکانه بیان شده است.

در میان شاعران بنام کودک، تنها یک نفر یعنی آقای جعفر ابراهیمی «شاهد» است که فضای اغلب اشعارش نوستالژیک و مضمون قریب به هشتاد درصد از سروده هایش یاد کودکی و روستاست.

شاعران دیگر، از محمود کیانوش گرفته تا جوانان امروز، در هر چند دفتر شعرشان، به ندرت ممکن است شعرهایی یافت شود که دارای مضمونی از این دست باشد.

کدام آفتها؟

« لطفاً مرا بشوید »

داوود لطف‌الله
در کنار چنین سوزه‌هایی، حادثه سقوط
هوایم‌ای ایرانی در خلیج فارس نیز از نظر
شاعر کودک، دور نمی‌ماند:
هوایما کجا رفت؟
چرا هستی تو تنها؟
چرا افتاده‌ای تو
میان آب دریا؟

ناصر کشاورز
و یا دیوانه‌ای که به او سنگ می‌زنند:
کسی که توی کوچها به او
همیشه سنگ می‌زنند
و او درست مثل بچه‌ها «کیو کیو» کنان
به دشمنان خود جواب می‌دهد...

بیوک ملکی
و حتی دزد:
از چه می‌ترسیم؟ از دزد؟
واقعاً که خنده‌دار است
دزد هم می‌ترسد از ما
پس تفاهم برقرار است!

ناصر کشاورز
و یا ماشینی که مدت‌هاست شسته نشده:
از شیشه‌های خاکی
چیزی نمی‌شود دید
بر شیشه می‌نویسم:

بیوک ملکی
زندگی شکفتن است
با زبان سبز، راز گفتن است

قیصر امین‌پور
دوستیهای ساده و بی‌ریا:
وقتی که می‌گیری
یک سیب از دستم
با خنده می‌گویم
من دوستت هستم...

رودابه حمزه‌ای
غصه‌های یک کودک پس از عروسی
خواهرش:
عروسی شد تمام و باز بیچید
سکوتی تلخ در دور و بر من
عروسی شد تمام افسوس خالی ست
میان خانه جای خواهر من

سید سعید هاشمی
و هزاران مضمون ناب و لطیف که نمونه
آوردن از همه آنها مقدور نیست.

نگارنده، پیش از نوشتن این یادداشت،
مخصوصاً یک بار دیگر به بررسی آثار
حدود ده شاعر مطرح شعر کودک امروز
یعنی مصطفی رحماندوست، شکوه
قاسم‌نیا، بیوک ملکی، افشین علاء،
اسدالله شعبانی، افسانه شعبان‌نژاد، داوود
لطف‌الله، محمود پور وهاب، ناصر کشاورز
و حمید هنرجو پرداختم. حقیقتاً هنگام
بررسی انبوه این آثار، حیرت کرده بودم که
خانم موسویان، واقعاً بر چه اساسی از
ایده‌می‌حسن نوستالژیک در شعر کودک نام
برده‌اند. عجیب‌تر آنکه دیدم، همین
کتابهای مورد نقد ایشان، برای نقض این
حکم، کافی بوده است.

در مجموع، در مورد تنوع مضامین نیز،
واقعیت شعر کودک صد و هشتاد درجه
خلاف چیزی است که این خواهر گرمی
نوشته‌اند.

در این روزگار که شعر بزرگسال، چنان به
تکرار و یکنواختی دچار شده، که حضور در
جلسه‌های شعر، چیزی جز ملال به همراه
ندارد، حاضر شدن گاه‌به‌گاه شاعران
کودک در این جلسات و ارائه مضامین ناب
و دست‌اول، همواره مایه شگفتگی و نشاط
حاضران بوده است.

به شهر شعر کودک، هر مضمون و سوزهای
راه یافته است. تنها در زمینه شعر مذهبی
کودک، آقای «حسین حداد» در کتاب «نان
و پروانه»، هفتاد و هشت موضوع را
فهرست کرده‌اند. ۳۰ این، مربوط به سال ۷۶
است و قطعاً تعداد این موضوعات تا امروز
به طرز چشمگیری افزایش یافته است. این
در حالی است که موضوعات مذهبی، تنها
جرعه‌ای است از دریای مضامین شعر
کودک.

از مضامین اجتماعی و سیاسی مثل جبهه و
شهادت و جنگ خلیج فارس بگریزید تا
مضامین عاطفی، مثل دوستی و عشق و
قهر و آشتی و مضامین تربیتی و اخلاقی و
مضامین فانتزی و فکاهی و مضامین
حماسی و... همه نوع مضمون در شعر
کودک وجود دارد. چنان‌که اگر بخواهیم از
هر یک از آنها، فقط یک نمونه ارائه کنیم،
حداقل یک شماره از این نشریه را باید به
چاپ گزیده شعر کودک اختصاص دهیم.
در شعر کودک، حتی لولاهای در، دستمایه
سرودن قرار می‌گیرند:
باز لولاهای در



● شاعران خوش‌ذوق و
خلاق کودک و نوجوان
در روزگار ما، از گنجینه
محدود لغاتی که در
اختیار داشته‌اند،
حداکثر استفاده را
کرده‌اند.

● طبعاً، یاد از کودکی،
زبان شعر را نیز ساده
می‌کند و این شبیه را به
وجود می‌آورد که اثر
خلق شده کودکانه
است.



محدودیت واژگان و تصاویر

نوشته‌اند:

«آفت دیگر، محدودیت واژگان و تصاویر است. به قول دوستی، امروز، هر [تأکید از نگارنده است] کتاب شعر کودک را که بتکانیم، از لابه‌لای برگ‌های آن یک عالمه [تأکید از نگارنده است]. پروانه و شاپرک و پنجره و خورشید و... بیرون می‌ریزد.»

از آنجا که کلمه‌هایی که کودکان در گروه‌های سنی گوناگون مورد استفاده قرار می‌دهند، متفاوت و به هر حال محدود است، یکی از اصول آفرینش ادبی، برای هر گروه سنی، رعایت کردن واژگان پایه است. تا حدی که در بعضی از کشورهای پیشرفته، این کلمات، دسته‌بندی شده است.^۲

با این حال، به اعتقاد فقیر، شاعران خوش ذوق و خلاق کودک و نوجوان در روزگار ما، از گنجینه محدود لغاتی که در اختیار داشته‌اند، حداکثر استفاده را کرده‌اند.

با نیم‌نگاهی به کتابهای شعر کودک، خواهیم دید که نه فقط «پروانه و شاپرک و پنجره و خورشید» که هر سنخ واژه‌ای به شعر کودک راه یافته است. از کلمات شاعرانه‌ای مثل آب و مهتاب و بهار گرفته تا گاو و گوسفند و کرگدن و زرافه و نامهای خاص گیاهان و مکانهای جغرافیایی و تاریخی و... و همه‌اشیای منزل مثل پرده و سوزن و یخچال و گاز پنج‌شعله و... در کل، هر لغتی که برای مخاطب، مفهوم بوده است. حتی واژگانی که در نگاه نخست، سخت غیر شاعرانه می‌نمایند:

آره برقی، دستگاه جوش برق، قند و چای و صابون، مقنعه، موبایل، بولدوزر، انگشتواره، خر، فولکس، پراید، دایناسور، وانت بار، خط اتو، تکنولوژی، اتیوی، کود شیمیایی، مین، بستنی دوقلو و...

هم‌آره برقی دارد او

هم دستگاه جوش برق

دکان بابایم پر است

از قار و قور و درق و درق

ناصر کشاورز

یک وقت قند و چای و صابون

یک وقت روغن می‌خرد او

پر می‌کند او کیف خود را

از چیزهای خوب و خوش بو

اسدالله شعبانی

هر گیاهی و هر گلی جز

خوشه‌ها را کنده بودند

کودهای شیمیایی



خاک را آکنده بودند

وقتی که بولدورزها
آن را خراب کردند
مرد موبایل در دست
می زد هنوز لبخند

ناگهان در دل خاک
چند «مین» پیدا کرد
همه آنها را
یک به یک خنثی کرد

بزرگراه و سرعت و بوق
فولکس آه می کشد آه
کنایه می زند و طعنه
پرایدهای زشت خودخواه

بوی نو و تازه یک اسکانس
مضحکی خط اتوی لباس

یک سار پر زد
یک غنچه پژمرد
یک بچه الان
در اتوبوی مرد

چرا کشتن یک مگس
در این روزها جرم نیست؟
مگس که فقط چشم او
جهانی ز تکنولوژی ست

ناصر کشاورز
لحظه ای بعد، تو بودی و دو چشم
که به دنبال خودت می بردی
پیش چشمان پر از غصه او
بستنی دوقلو می خوردی

افسانه شعبان نژاد
باز می رسد شب کریسمس
شهر، زیر برف می کشد نفس

ناصر کشاورز

سید سعید هاشمی

افشین علاء

عرفان نظر آهاری

محمد کاظم مزینانی

افشین علاء

ناصر کشاورز

افسانه شعبان نژاد

سید سعید هاشمی

تصور می کنم ارائه مثالهای بیشتر،
ضرورت ندارد. علاقه مندان به این بحث،
می توانند با مراجعه به کتابهای پر شمار
شعر کودک، خود در این باره داوری کنند.
خانم موسویان، به نقل از دوستی، گزاره ای
را با سور عمومی بیان کرده اند: «هر کتاب
شعر کودک را که بتکانیم، از لابه لای
برگهای آن یک عالمه پروانه و شاپرک و
پنجره و خورشید و... بیرون می ریزد.»
می دانیم که در منطق، گزاره ای که با سور

عمومی بیان شده باشد، با یک مثال نقض،
باطل می شود، حال من از ایشان می خواهم
به کتابهای «مرا یک دایناسور، درسته
قورت داده!» سروده ناصر کشاورز، «دویدم
و دویدم تا خدا» سروده محمد کاظم
مزینانی، «خوش به حال ماهیها» سروده
مصطفی رحماندوست و افسانه شعبان نژاد
و افشین علاء، و «بزرگاله خانم»، سروده
تقی متقی، مراجعه کنند و ببینند آیا یکی از
چهار کلمه مورد اشاره، یعنی پروانه،
شاپرک، پنجره و خورشید، حتی یک بار در
این کتابها به کار رفته است؟

مهر ماه ۸۳
پی نوشتها:

۱- اصطلاح «سه پاره» را نخستین بار، آقای
«منوچهر علی پور» در کتاب «پژوهشی در شعر
کودک»، به کار بردند. ایشان نوشته اند که از این
قالب، نمونه ای در شعر پیشینیان وجود ندارد.
(رک: پژوهشی در شعر کودک، انتشارات تیرگان،
چاپ اول: ۱۳۷۹؛ ص ۱۷۸) لیکن این سخن،
صحیح نیست. شادروان مهدی اخوان ثالث، در
کتاب «دوزخ اما سرد»، سه پاره ای به نام «این
است که» دارد. اخوان، این قالب را خسروانی
پیوسته، و سه مصرععی پیوسته می نامید. (رک:
گزینه اشعار مهدی اخوان ثالث، انتشارات
مروارید، چاپ دوم: ۱۳۷۰.)

۲- مهدی اخوان ثالث در کتاب زمستان، شش
پاره ای به نام «شعر» دارد. (رک: زمستان، مهدی
اخوان ثالث، انتشارات مروارید، چاپ پانزدهم؛
۱۳۷۶، ص ۳۹.)

۳- ک: نان و پروانه (برگزیده هفتاد سال شعر
مذهبی کودک و نوجوان ایران)، به کوشش حسین
حداد، مؤسسه فرهنگی و انتشاراتی محراب قلم،
چاپ اول: زمستان ۷۷.

۴- ک: و اما بعد (چند و چونی در ادبیات کودکان
و نوجوانان، رضا رهگذر، انتشارات حوزه هنری
سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ اول: ۱۳۶۶.)
فهرست کتابهایی که اشعار متن، از آنها برداشت
شده به شرح زیر است:
آواز توکا، اسدالله شعبانی، نشر فردا، چاپ اول:
۱۳۷۶.

از هوای صبح، بیوک ملکی، انتشارات سروش،
چاپ اول: ۱۳۷۶.
بابا آمد نان آورد، مصطفی رحماندوست، کانون
پرورش فکری کودکان و نوجوانان، چاپ اول:
۱۳۷۸.

باغ مهریانیها، مصطفی رحماندوست، انتشارات
مدرسه چاپ اول: ۱۳۶۷.
بوی نرگس، ناصر کشاورز، انتشارات استان
قدس رضوی (شرکت به نشر)، چاپ اول: ۱۳۷۹.
به قول پرستو، قیصر امین پور، نشر زلال، چاپ
اول: ۱۳۷۵.

پشت یک لبخند، بیوک ملکی، انتشارات قدیانی،
چاپ اول: ۱۳۷۱.
تا خدا راهی نیست، ناصر کشاورز، انتشارات
قدیانی، چاپ اول: ۱۳۸۰.
تکه ای از آسمان، سید سعید هاشمی، کانون
پرورش فکری کودکان و نوجوانان، چاپ اول:
۱۳۷۶.

تو چه شکلی هستی؟، ناصر کشاورز، انتشارات
استان قدس رضوی (شرکت به نشر)، چاپ اول:
۱۳۷۸.

چشمه نور، مصطفی رحماندوست، کانون پرورش
فکری کودکان و نوجوانان، چاپ اول: ۱۳۶۳.
خاطرات مه گرفته، افشین علاء، کانون پرورش
فکری کودکان و نوجوانان، چاپ اول: ۱۳۷۹.
خدای جبرگیرکها، محمد کاظم مزینانی، نشر
پیدایش، چاپ اول: ۱۳۷۷.

خوش به حال ماهیها، مصطفی رحماندوست -
افسانه شعبان نژاد - افشین علاء، مؤسسه نشر و
تحقیقات ذکر، چاپ دوم: ۱۳۷۲.
خیال صورتی، رودابه حمزه ای، حوزه هنری
سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ اول: ۱۳۷۶.

در بیاده رو، بیوک ملکی، مؤسسه فرهنگی منادی
تربیت، چاپ اول: ۱۳۷۹.
سوار بال، حمید هنرجو، انتشارات تربیت، چاپ
اول: ۱۳۷۲.

شاعر گنجشکها، سید سعید هاشمی، انتشارات
سروش، چاپ اول: ۱۳۷۶.
عطر خوشبوی سحر، محمد عزیزی «نسیم»، نشر
گلستان کوثر، چاپ اول: ۱۳۷۲.

قند و پروانه و خواب، داوود لطف الله، انتشارات
مدرسه چاپ اول: ۱۳۷۹.
کلاغهای کاغذی، محمد کاظم مزینانی، کانون
پرورش فکری کودکان و نوجوانان، چاپ اول:
۱۳۷۹.

کوفه در یخها، بیوک ملکی، کانون پرورش فکری
کودکان و نوجوانان، چاپ اول: ۱۳۷۶.
کوفه های آبی، مصطفی رحماندوست، انتشارات
محراب قلم، چاپ اول: ۱۳۶۹.

کوله پشتی ات کجاست؟، عرفان نظر آهاری،
انتشارات استان قدس رضوی (شرکت به نشر)،
چاپ اول: ۱۳۸۱.

گل افتابگردان، اسدالله شعبانی، کانون پرورش
فکری کودکان و نوجوانان، چاپ اول: ۱۳۶۸.
لبخند شبنمها، جعفر ابراهیمی «شاهد»،
انتشارات مدرسه چاپ اول: ۱۳۷۲.

مثل ظهر عاشورا، حمید هنرجو، حوزه هنری
سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ اول: ۱۳۷۶.
مثل یک گل کوچک، شکوه قاسم نیا، نهاد هنر و
ادبیات، چاپ اول: ۱۳۶۶.

نان و شبنم، محمد کاظم مزینانی، انتشارات
قدیانی، چاپ دوم: ۱۳۷۴.
نردبانی از ستاره، بابک نیک طلب، کانون پرورش
فکری کودکان و نوجوانان، چاپ اول: ۱۳۸۱.
یک سبد بوی بهار، افشین علاء، نشر افق، چاپ
اول: ۱۳۷۰.
یک عالم پروانه، افشین علاء، نشر رویش، چاپ
اول: ۱۳۶۸.
یک کاسه شبنم، افسانه شعبان نژاد، انتشارات
مدرسه چاپ اول: ۱۳۷۰.

کدام آفتها؟

● در این روزگار که
شعر بزرگسال، چنان
به تکرار و یکنواختی
دچار شده، که
حضور در جلسه های
شعر، چیزی جز ملال
به همراه ندارد،
حاضر شدن گاه به گاه
شاعران کودک در این
جلسات و ارائه
مضامین ناب و دست
اول، همواره مایه
شکفتگی و نشاط
حاضران بوده است.

